



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۱. ظواهر - کلام شیخ انصاری - مدعای دوم شیخ انصاری - بررسی مدعای دوم مصادف با: ۲۲ شعبان ۱۴۴۵  
سال پانزدهم  
جلسه: ۸۵

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم مرحوم شیخ انصاری مطلبی را فرموده‌اند که در واقع دو بخش یا به تعبیر دیگر دو مدعا است. مدعای اول ایشان را دیروز ذکر کردیم و مورد بررسی قرار دادیم. آنچه دیروز گفتیم این بود که به نظر شیخ انصاری اماراتی که برای تشخیص مراد متکلم مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند اصالة الاطلاق و اصالة العموم و امثال اینها، همگی به اصالة عدم القرینه رجوع می‌کنند. محقق خراسانی اشکال کردند که ما اینجا یک اصل بیشتر نداریم و آن هم اصالة الظهور است و سایر اصول لفظیه از مصادیق اصالة الظهور هستند. این را به عنوان اشکال به شیخ انصاری فرمودند که به نظر ما نیز این اشکال وارد است.

#### مدعای دوم شیخ انصاری

همانطور که عرض کردیم این مدعا مرتبط با مدعای اول است. مدعای دوم این است که دلالت ظاهر بر مراد یک دلالت قطعی است نه ظنی. دقت کنید، اصل بحث ما درباره امارات ظنیه است، یکی از امارات ظنیه ظواهر هستند، لکن شیخ انصاری معتقد است دلالت ظواهر بر مراد، دلالت قطعی است نه ظنی. اینکه عرض کردیم ارتباط با مطلب قبلی دارد به این جهت است که اگر ما علم به عدم قرینه داشته باشیم، دلالت ظواهر می‌شود دلالت قطعی نه ظنی. حال بر چه اساس دلالت ظواهر قطعی است؟ ما ابتدا این فرمایش شیخ انصاری را توضیح داده و سپس آن را بررسی می‌کنیم.

وقتی می‌گوییم کلامی یا لفظی ظهور در یک معنایی دارد، یعنی احتمال اراده خلاف آن معنا نیز وجود دارد، لکن این احتمال نادیده گرفته می‌شود و ملغا می‌شود، اما وقتی می‌گوییم دلالت قطعی است معنایش این است که دیگر هیچ احتمال خلافی وجود ندارد. حال شیخ انصاری چطور ادعا کرده است که دلالت ظواهر، دلالت قطعی است؟ این خیلی روشن است که لفظی که ظهور در یک معنایی دارد، یعنی احتمال راجح نسبت به آن معنا، در آن مطرح است، اما احتمال مرجوح نیز نسبت به خلاف ظاهر وجود دارد، حال شیخ انصاری چطور ادعا می‌کند دلالت ظواهر دلالت قطعی است؟ دقت کنید، سخن شیخ انصاری درست فهمیده شود.

نظر ایشان این است که وقتی متکلم با الفاظ و سخنان و کلماتش می‌خواهد مراد خودش را بیان کند و مقصود خودش را به دیگران تفهیم کند، یک معنایی از کلام او فهمیده می‌شود، بالاخره هر کلام و کلمه‌ای ظهور در یک معنایی دارد. حال اگر متکلم بخواهد یک معنایی غیر از معنای ظاهر اراده کند، اینجا قاعدتا باید یک قرینه‌ای، شاهی یا راهنمایی نصب کند تا شنونده پی به مقصود او ببرد. مثلا متکلم می‌گوید «رایت اسدا» ولی مقصود او یک رجل شجاع باشد و قرینه‌ای هم نیاورد، این خلاف فرض است. فرض این است که او در مقام بیان مرادش قرار دارد، فرض این است که او می‌خواهد مقصود خودش را به مخاطب بفهماند، اگر مقصود او این

است که به مخاطب بفهماند که من رجل شجاع را دیدم بالاخره باید کنار لفظ اسد یک قرینه‌ای بیاورد تا این را به مخاطب بفهماند. حال اگر قرینه‌ای نیاورد، در عین حال نیز منظورش این باشد که به او بفهماند که یک مرد شجاع دیده است، این نیاوردن قرینه می‌شود خلاف فرض؛ اگر از این لفظ معنایی غیر از معنای ظاهر اراده کند و هیچ قرینه‌ای هم نیاورد، این خلف است، خلاف فرض است، زیرا اصلاً این کلام بر معنای مورد نظر او دلالت نمی‌کند.

پس اگر ما با یک کلامی مواجه شویم که ظهور در یک معنایی دارد، یقین پیدا می‌کنیم که همین معنا اراده شده است. چون هیچ قرینه‌ای نصب نکرده است. پس با علم به عدم قرینه، علم به مراد پیدا می‌شود، یقین پیدا می‌شود که متکلم از این کلام همین معنای ظاهر را اراده کرده است. به این جهت است که شیخ انصاری می‌فرماید دلالت ظواهر بر معانی خودشان دلالت قطعی و یقینی است. اصلاً اساس بحث ما بر این پایه است که ظواهر از جمله امارات ظنیه هستند، ولی شیخ انصاری می‌فرماید این دلالت یک دلالت قطعی است. از همین چند مطلب، ایشان این نتیجه را می‌گیرد. این خلاصه ادعای شیخ انصاری است.

### **کلام بعضی از بزرگان در تبیین نظر شیخ انصاری**

بعضی از بزرگان قطعی بودن دلالت ظواهر را به حسب صور مختلفی که در مورد کلام صادره از متکلم متصور است تطبیق دادند. بیان مطلب: (این توضیحی که شیخ انصاری دادند با تفصیل بیشتر بیان شده است.) هر کلامی که از متکلم صادر می‌شود سه صورت برای آن می‌توان تصویر کرد:

**صورت اول:** جایی است که قصد متکلم تفهیم و تفهم نباشد. سخن می‌گوید، از الفاظ و واژه‌ها استفاده می‌کند ولی هیچ قصدی برای تفهیم ندارد. مثل کسی که می‌خواهد صوتش را امتحان کند. از نظر رقت و غلظت، ببیند صدایش چه مقدار توانایی دارد. آنجا اصلاً کاری به معنا ندارد، توجهی به معنا نمی‌کند.

**صورت دوم:** جایی است که متکلم لفظ را به کار می‌برد ولی اراده او نسبت به معنا اراده استعمالی است، در مقام اخبار و انشاء به حسب واقع نیست. فقط این لفظ را در این معنا استفاده می‌کند، مثل استعمالات الفاظ به قصد مسخره کردن یا هزل و شوخی کردن، یک لفظی را به کار می‌برد، اینجا مقصود او همین معنای استعمالی است یعنی اراده استعمالی اینجا دخالت دارد.

**صورت سوم:** جایی است که کلامی را متکلم می‌گوید لکن اراده جدی نیز به آن تعلق می‌گیرد. اینجا می‌شود همان اراده جدیه. از این سه صورت، صورت اول که اصلاً از بحث خارج است، زیرا آنجا فرض این است که اصلاً هیچ معنایی اراده نشده است. کسی که فقط می‌خواهد صدایش را امتحان کند اصلاً به معنا هیچ نظری ندارد.

اما صورت دوم و سوم قهراً مراد متکلم است. صورت دوم، جایی است که متکلم می‌خواهد یک معنایی را در ذهن شنونده ایجاد کند. اینجا اگر یک لفظی را متکلم بگوید و فرض کنید غرض او هزل و سخریه باشد، اینجا اراده استعمالی وجود دارد ولی اراده جدی نیست. اگر متکلم وقتی دارد این لفظ را به کار می‌برد و هیچ قرینه‌ای هم در کنار آن بر خلاف این معنای اراده استعمالی وجود ندارد، معلوم می‌شود دلالتش بر آنچه که اراده شده است دلالت قطعی است. پس در اراده استعمالی نیز به همین بیان دلالت لفظ بر معنا یک دلالت قطعی است.

اما اراده جدی، هر کسی که قصدش از بیان کلمات یک اخبار یا انشاء باشد، اینجا اراده جدی تعلق گرفته است به آن معنا. اما اینجا اگر ببینیم این کلام را ذکر کرده است و قرینه ای نیاورده و این برای ما متیقن باشد، طبیعتاً می‌گوییم همین معنا را اراده کرده است و غیر از این اراده نکرده است، این برای ما می‌شود یقینی. پس دلالت لفظ بر مراد جدی نیز یک دلالت قطعی و یقینی است. ملاحظه کردید در سطوح مختلف چه در دلالت‌های تصویری و چه در دلالت‌های تصدیقی، آنچه وجود دارد دلالت این الفاظ به نحو قطعی بر معانی است که از آن الفاظ فهمیده می‌شود. این اصل مدعای شیخ انصاری و توضیح پیرامون این مدعا است که چگونه می‌شود این امارات به نحو قطعی دلالت کنند بر همان معانی.

**سوال:**

**استاد:** ما عرض کردیم. گفتیم بالاخره دلالت‌ها تا مادامی که علم به عدم قرینه داریم بر آن معنای ظاهر، می‌شود یک دلالت قطعی. این محصل مدعای شیخ انصاری است.

### **بررسی مدعای دوم شیخ انصاری**

آیا این فرمایش تمام است؟ آیا واقعا دلالت ظواهر بر معانی خودشان قطعی است یا ظنی؟ به نظر می‌رسد آنچه شیخ انصاری فرموده در صورت اول درست است و اصلاً از بحث ما خارج است و ما با صورت اول کاری نداریم؛ ولی در صورت دوم و سوم فرض این است که متکلم در مقام تفهیم است، در مقام بیان مراد جدی خودش است. قرینه‌ای هم که بر خلاف ظاهر نیاورده؛ تا اینجا درست است و مشکلی نیست.

ولی مسئله این است که ما چگونه بفهمیم متکلم در مقام تفهیم و بیان مراد جدی خودش است؟ اولاً از کجا معلوم این اراده جدی داشته باشد؟ از کجا معلوم در مقام تفهیم باشد؟ اینها هیچکدام برای ما معلوم نیست. اینجا با بعضی از اصول عقلائی ما این احتمالات را نفی می‌کنیم مثل اصل عدم غفلت، اصل کون المتکلم فی مقام البیان یا در مقام بیان مراد واقعی، اینها در حقیقت مانع دلالت قطعی می‌شود. ما اصلاً نمی‌دانیم، از هر راهی هم که برویم، با آن اصول عقلائی بگوییم اینجا قطعاً متکلم در مقام تفهیم است و اراده جدی دارد، مهم این کون المتکلم فی هذا المقام باید احراز شود و با این اصول عقلائی احراز معنا به نحو قطعی نمی‌شود.

بنابراین چون این اصولی که مورد استناد قرار می‌گیرند برای تشخیص کون المتکلم فی مقام التفهیم و الجد، ظنی هستند و دلالتشان دلالت قطعی نیست، نمی‌توانیم بگوییم دلالت‌های ظاهر قطعی است، زیرا بر یک پایه‌ای استوار هستند که آن پایه مانع قطعیت یافتن این دلالت‌ها می‌شود.

این اصل مدعای شیخ انصاری بود که مورد بررسی قرار گرفت. البته اینجا یک اشکالات دیگری نیز به شیخ انصاری وارد است ولی همین مقدار کافی است.

**نتیجه:** پس هم مدعای اول شیخ انصاری و هم مدعای دوم ایشان مورد خدشه قرار گرفت. هم رجوع آن اصول را به اصالة الظهور مورد خدشه قرار دادیم و هم قطعی بودن دلالت ظواهر را رد کردیم.

**سوال:**

استاد: همه تلاشمان در این فصل بر این است که اثبات کنیم اینها از امارات ظنیه معتبر هستند. یعنی یک اماراتی هستند که مفید ظن هستند ولی شارع اینها را پذیرفته است، دلیل خاص بر اعتبارشان داریم. اگر گفتیم دلالت قطعی است ماجرا متفاوت می‌شود، منافات ندارد، هم ظنی باشد و هم معتبر باشد، برای اعتبار لزوماً مسئله قطعیت و حتمیت مطرح نیست. این نیز اجمالی از فرمایش شیخ انصاری و اشکال محقق خراسانی و بحث‌هایی که اینجا مطرح بود.

### **بحث جلسه آینده**

تقریباً عمده بحث‌هایی که جنبه مقدماتی داشته در باب امارات و ظنون و در مورد ظواهر مطرح کردیم. بحث‌هایی دیگری نیز وجود دارد که در جلسه بعد مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»